تحلیل فقهی جایزه‌های بانکی در سپرده‌های پس‌انداز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۲/۳

حبیب‌الله شعبانی موثقی*

چکیده

یکی از انواع شایع سپرده‌های بانکی سپرده پس‌انداز است که هیچ سودی به آن پرداخت نمی‌شود؛ اما بانک‌ها برای تشویق مشتریان خویش به این نوع سپرده‌ها گاه جایزه‌هایی به قید قرعه پرداخت می‌کنند. با توجه به آنکه ماهیت فقهی این نوع سپرده‌ها قرض تلقی شده و از لحاظ فقه اسلامی قرض همراه با شرط زیاده ربا و حرام است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سپرده‌گذاری به قصد جایزه‌های بانکی از مصداق‌های قرض ربوی شمرده می‌شود یا خیر؟

نوشتار پیش رو با روش تحلیلی وصفی در صدد اثبات این نکته است که هر چند برخی دریافت جایزه‌ها را به‌طور مطلق حرام می‌دانند؛ اما تطبیق قرض ربوی در جایزه‌های بانکی بستگی تام به نوع قصد سپرده‌گذار و تعامل وی با بانک دارد. اگر سپرده‌گذاری مبتنی بر دریافت جایزه باشد؛ به‌طوری که مشتریان بانک خود را دارای حق قانونی بر عهده بانک بدانند، در این صورت حکم شرعی حرمت قرض ربوی بر آن صادق خواهد بود اما در غیر این صورت نمی‌توان ربوی‌بودن آن را ثابت کرد. همچنین انواع رویکردهای مشتریان با معیارهای اثباتی آن به‌تفصیل بیان شده است.

واژگان کلیدی: *سپرده‌گذاری، قرض‌الحسنه، جایزه بانکی، قمار، ربا، شرط و داعی.*

طبقه‌بندی JEL: G21, E59, Z12.

*. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم. Email: Shabaniparsa14@yahoo.com.

مقدمه

یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های بانک‌های تجاری سپرده‌پذیری است. سپرده وجوهی است که مردم با انگیزه‌های متفاوت به بانک می‌سپارند تا در مواقع لازم به عنوان پشتوانه اقتصادی آنان شمرده شود. در یک تقسیم کلی این سپرده‌ها به جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مدت‌دار تقسیم می‌شوند.

بانکداری جدید (متعارف) ارتباط بسیار وثیق با دریافت و پرداخت بهره دارد. در برابر سپرده‌پذیری (تجهیز منابع) بهره پرداخت می‌کند و در وام‌های پرداختی و دادن تسهیلات به مشتریان (تخصیص منابع) بهره دریافت می‌کند. همین شاخصه اصلی بانک در تعارض با قوانین شرعی قرار می‌گیرد و به‌طور طبیعی جامعه متدین را به مخالفت با آن مجبور می‌کند. هر چند تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا دریافت بهره توجیه شرعی یابد و مفهوم آن مغایر با ربا قلمداد شود؛ اما این توجیه‌ها از نظر اکثر صاحب‌نظران کافی قلمداد نمی‌شود و مخالفت‌های علمی همچنان ادامه می‌یابد. در حقیقت علت مخالفت با عملکرد بانک در ناحیه تجهیز منابع و تخصیص منابع به ماهیت فقهی حقوقی این وظیفه‌ها برمی‌گردد. از طرف دیگر به علت ضروری‌بودن بانک در دنیای اقتصادی امروز، بسیاری از صاحب‌نظران را به این مسئله رهنمون کرد که در عین حفظ بانک آن را منطبق بر عقدهای شرعی کنند و مشکل ربوی‌بودن را مرتفع کنند که کتاب **البنک اللاربوی فی الاسلام** شهید *صدر*ﷺ کوششی در این جهت محسوب می‌شود تا آنکه در ایران سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا طراحی می‌شود که در صدد حذف ربا از نظام بانکی بوده است. امروزه بانک بدون ربا جایگاه خوبی در کشورهای اسلامی و حتی در کشورهای غربی یافته است.

بعد از انقلاب اسلامی بحث هماهنگ‌کردن قوانین موضوعه با احکام شرعی به تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا انجامید که این قانون در مورخه ۱۳۶۲/۶/۸ به تصویب رسید. در فصل دوم این قانون بحث تجهیز منابع پولی مطرح شده است. این قانون با طراحی سپرده‌های غیرربوی در صدد حذف ربا از ساختار عملیات بانکی است.

در ماده ۳ فصل دوم این قانون آمده است: «بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عنوان‌های ذیل به قبول سپرده مبادرت ورزند: الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه: ۱. جاری؛ ۲. پس‌انداز؛ ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار».

صراحت قانون آن است که از دید قانون‌گذار سپرده‌های جاری و پس‌انداز ماهیت قرض دارند؛ چنان‌که ماهیت حقوقی سپرده سرمایه‌گذاری به‌صراحت به عنوان وکالت مطرح شده است. هر یک از این سپرده‌ها ویژگی‌های ویژه به خود دارند که در قانون به آن اشاره شده است. یکی از ویژگی‌های بارز سپرده‌های پس‌انداز تعلق جایزه به سپرده‌گذاران است.

پرسش اصلی در مقاله پیش رو آن است که ماهیت فقهی این جایزه‌ها چیست؟ آیا تعلق جایزه و پرداخت آن باعث ربوی‌شدن سپرده‌گذاری نمی‌شود؟ با مفروض‌بودن ماهیت حقوقی این نوع سپرده‌ها که به عنوان قرض تلقی شده است آیا پرداخت جایزه نوعی شرط زیاده در عقد قرض نیست که باعث ربوی‌بودن عقد خواهد شد؟ مقاله پیش رو با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی در صدد تحلیل فقهی حقوقی ماهیت جایزه‌های بانکی و اثبات این فرضیه است که ماهیت جایزه‌ها به لحاظ نوع عملکرد سپرده‌گذار متفاوت است. در تطبیق کبرای شرعی حرمت ربا در محل بحث، توجه به این مسئله لازم است که نوع تعامل سپرده‌گذار با بانک تعیین‌کننده اصلی در ماهیت این جایزه‌هاست.

پیشینه تحقیق

بررسی پرسش پیش‌گفته و تحلیل ماهیت جایزه‌های بانکی از طرف برخی محققان انجام شده است. شهید *مطهری*ﷺ در کتاب **مسئله ربا و بانک** (۱۳۸۷)، آیت‌الله *مکارم‌شیرازی* در مقاله «احکام البنوک» در مجله **فقه اهل بیت**ﷺ شماره ۷ عربی و آیت‌الله *سیدمحسن خرازی* در مقاله «اقسام بانک و احکام آن» در مجله **فقه اهل بیت**ﷺ شماره ۴۳-۴۴ به این پرسش پرداخته‌اند.

از تحقیق‌های پیشتاز درباره مسائل بانکی می‌توان به کتاب **البنک اللاربوی فی الاسلام** نوشته شهید آیت‌الله *صدر*ﷺ اشاره کرد که شاید اثر آن در تحقیق‌های بعدی قابل توجه باشد.

تحقیق‌های عالمان اهل سنت درباره جایزه‌های بانکی و نیز مسائل مرتبط به آن افزون بر سایت‌های رسمی مانند سایت «رحمه للعالمین و مسجد النبی»ﷺ و در کتاب **فواید البنوک مبررات و تساوءلات** نوشته دکتر *اشرف محمد دوابه* جمع‌آوری شده است که

مرتبط به فتاوا و استدلال‌های عالمان بزرگ اهل سنت درباره مسائل مرتبط به بانکداری است.

نوشتار پیش رو با تمرکز بر این بحث به احتمال‌های ثبوتی در ماهیت این جایزه‌ها پرداخته است و فروع‌های فقهی مترتب بر هر یک از احتمال‌ها را مورد کنکاش قرار داده است. پیش از ورود در اصل بحث لازم است توضیح کوتاهی درباره این نوع سپرده‌ها داده شود.

تبیین موضوعی سپرده پس‌انداز

یک حساب در صورتی پس‌انداز شمرده می‌شود که:

۱. سپرده‌گذار پول خود را به بانک پرداخت می‌کند و عندالمطالبه بانک وظیفه دارد آن را به مشتری بازپس دهد.

۲. وجوه به مدت نامعیّن به یک حساب واریز می‌شود و در برابر بانک دفترچه یا کارت الکترونیکی برای صاحب حساب می‌دهد تا پرداخت‌ها و دریافت‌ها با آن انجام گیرد.

۳. استفاده از این سپرده به صاحب حساب مختص است.

٤. این سپرده قابل نقل‌وانتقال به غیر نیست.

۵. بانک به این نوع سپرده‌ها سود پرداخت نمی‌کند اما جهت تشویق سپرده‌گذاران امتیازهای خاصی برای آنان قائل می‌شود و گاهی جایزه‌هایی به قید قرعه به سپرده‌گذاران اعطا می‌کند.

حذف سود از این نوع سپرده‌ها به آن جهت است که پرداخت سود به ربای حرام خواهد انجامید؛ زیرا ماهیت فقهی سپرده عقد قرض است و اگر سود به آن پرداخت شود از باب قرض با شرط زیاده و ربا خواهد شد و از طرفی اگر بانک انگیزه‌ای برای سپرده‌گذاری در مشتریان پدید نیاورد ممکن است در تجهیز منابع خود دچار مشکل‌های اساسی شود؛ از این رو برای جلب مشتری، مسئله جایزه‌ها مطرح شده است تا انگیزه سپرده‌گذاری را پدید آورد.

٦. این نوع سپرده‌ها در بخش تخصیص منابع (دادن تسهیلات به مشتریان)، بخشی به عنوان وام قرض‌الحسنه بین مشتریان بانک و بخشی دیگر تحت عنوان‌های شرعی و قانونی مانند مشارکت مدنی، مضاربه، فروش اقساطی و ... در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد (تسخیری، ۱۳۸۰، ص٦٤/ بهمند و بهمنی، ۱۳۸٦، ص۱۵۵).

چنان‌که اشاره شد شاید بتوان مدعی شد شاخصه اصلی در این نوع سپرده‌ها جایزه‌هایی است که به عنوان عامل انگیزش مشتریان بانک طراحی شده است. حال پرسش اصلی آن است که ماهیت فقهی و حقوقی این جایزه‌ها چیست و آیا دریافت آن برای مشتریان بانک اشکال دارد یا خیر؟

جهت بررسی فقهی جایزه‌های بانکی در برابر سپرده‌های پس‌انداز ابتدا به چند نکته مقدماتی اشاره می‌کنیم:

۱. قرض اگر همراه زیادی مشرط‌ها باشد؛ به عنوان قرض ربوی مطرح می‌شود و فرقی نمی‌کند که این زیاده به صورت شرط صریح باشد یا شرط ضمنی باشد که عقد مبتنی به آن واقع می‌شود (موسوی خمینی، ١٤١٦ق، ص٦٠١). در هر دو صورت، مقترض ملزم است که زیادی را پرداخت کند؛ البته این الزام از طرف مقرض است و در قوانینی که ربا را جایز شمرده‌اند الزام قانونی نیز وجود دارد اما در قانون اسلامی چنین الزامی وجود ندارد و این زیاده رسمیت قانونی ندارد.

۲. فقه اسلامی باور دارد که اگر در ضمن قرض هیچ شرطی صورت نگیرد بلکه خود مقترض به عنوان هبه هنگام پرداخت بدهی، وجه زیاده‌ای را پرداخت کند، در این صورت دریافت آن اشکال ندارد؛ چون مشرط‌ها نبوده و نه‌تنها جایز شمرده شده است بلکه به عنوان امر مستحب قلمداد شده و مقترض را ترغیب می‌کنند تا هنگام پرداخت بدهی خود زیاده‌ای را پرداخت کند (همان، ص٦٠٢/ نجفی، ١٣٧٣، ص٧).

با توجه به مقدمه‌های پیش‌گفته ممکن است گفته شود که چون جایزه‌ها از طرف بانک در نظر گرفته می‌شود وسپرده‌گذار شرط زیاده‌ای در ضمن قرض انجام نمی‌دهد اشکال فقهی بر جایزه‌ها مترتب نیست؛ چون جایزه‌ها به عنوان هبه پرداخت می‌شود که مصداق حسن‌القضا قرار خواهد گرفت. در استفتا از مراجع نیز همین پرسش دیده می‌شود: «جایزه‌هایی که به سپرده‌های قرض‌الحسنه تعلق می‌گیرد گرفتن آن چه حکمی دارد و بر فرض جواز آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟»

پاسخ: «پس‌اندازهای قرض‌الحسنه و جایزه‌های آن اشکال ندارد و در جایزه خمس واجب نیست».

نیز پرسیده شده است: «مبلغی را در بانک ملی پس‌انداز کردم و بعد از مدتی مبلغی را به عنوان جایزه به من دادند؛ گرفتن آن چه حکمی دارد؟»

پاسخ: «گرفتن جایزه و تصرف در آن اشکال ندارد» (حسینی‌خامنه‌ای، ١٤٢٤ق، ص٤٧٥).

فتواهای پیش‌گفته مبتنی بر آن است که به هنگام سپرده‌گذاری هیچ شرطی از جانب سپرده‌گذار مطرح نشده است و فقط بانک به عنوان تشویق، جایزه‌هایی به مشتریان خویش پرداخت کرده است. مبنای جواز در فتواهای پیش‌گفته عدم صدق قرض به شرط زیاده است و البته روشن است که اگر کیفیت سپرده‌گذاری تفاوت داشته باشد، دیگر این فتواها در آن جریان نخواهد داشت که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

در برابر بیان پیش‌گفته، برخی از عالمان اهل سنت گرفتن جایزه را به‌طور مطلق حرام اعلام و آن را به عنوان ربا معرفی کرده‌اند. در بیانیه‌ای که نشست مجمع فقه اهل سنت ایران در تاریخ ٨٤/٢/٢٩ صادر کرده آمده است: «جایزه‌های بانکی به علت قمار و ربا طبق «قاعده کل قرض جر نفعا» حرام و ناجایز است» (سایت رسمی مدرسه دینی رحمه للعالمین سراوان).

بیان پیش‌گفته در ظاهر هیچ تفصیلی در مسئله ندارد و به صورت کلی دریافت جایزه‌ها را حرام می‌داند. مرحوم *بحرانی*ﷺ در **حدائق** احتمال می‌دهد که طبق مذهب عامه گرفتن سود در قرض هرچند شرط نشده باشد حرام است (بحرانی، ١٤٣٣ق، ص١١٤). اگر این برداشت از روایت‌ها درست بوده باشد دلیل فتواهای پیش‌گفته روشن است. جایزه‌های بانکی هرچند شرط نشده باشد به هر حال سود و نفعی است که به سپرده‌گذار رسیده است و این سود طبق اطلاق روایت نبوی یادشده حرام خواهد شد؛ هرچند در فقه امامیه اطلاق پیشین به لحاظ ادله مقیده قابل تمسک نیست. در روایت‌های قرض قیدهایی وجود دارد که حاصل جمع آن در باب قرض کتاب‌های فقهی آمده و برایند آن این است که سود اگر مشرط‌ها باشد ربای حرام صادق است؛ اما اگر شرطی بین طرفین نبود، دادن سود حرام نیست و نهایت در برخی صورت‌ها ممکن است مکروه باشد. به هر حال مسئله جایزه با این بیان اجمالی حل نمی‌شود و نیازمند تنقیح و تبیین بیشتری است.

در بند «الف» ماده ٦ قانون عملیات بانکی به بانک‌ها اجازه داده می‌شود جهت جذب سپرده‌ها، امتیازهایی برای سپرده‌گذاران در نظر بگیرند که یکی از مهم‌ترین آنها اعطای جایزه است.

در بحث پیشین گفته شد که ماهیت جایزه‌ها می‌تواند هبه باشد که از لحاظ فقه شیعی نه‌تنها اشکال ندارد بلکه امر مستحب نیز قلمداد می‌شود. کبرای کلی بحث روشن است که در عقد قرض مستحب است مقترض در بازپرداخت بدهی زیاده‌ای را به عنوان هبه پرداخت کند؛ اما اشکال اساسی تطبیق حکم فقهی یادشده بر جایزه‌های بانکی است و به تعبیر دیگر تبیین صغروی و حدود آن لازم است تا مسئله به صورت روشنی حل شود.

در این‌باره باید گفت در عملیات سپرده‌گذاری که با لحاظ جایزه صورت می‌گیرد چند وجه در مقام ثبوت قابل تصور است:*

۱. مشتری در سپرده‌گذاری خویش با بانک به‌صراحت شرط کند که بانک در برابر سپرده وی به قرعه‌کشی اقدام کند.

حکم این‌صورت روشن است؛ زیرا در ضمن قرارداد سپرده‌گذاری، شرط صریح بر گرفتن زیاده صورت پذیرفته است که به عنوان قرض با شرط زیادی حرام خواهد شد.

۲. صورت دوم آن است که قبل از سپرده‌گذاری بین بانک و مشتری توافق شود که بانک به قرعه‌کشی اقدام کند و قرارداد مبتنی بر شرط سابق انجام گیرد؛ در این صورت از لحاظ فقهی «شرط المبنی علیه العقد» حاصل شده که این شرط در عقد ذکر نشده است.

درباره این نوع از شرط‌ها دو بحث مطرح است: الف) آیا عمل به چنین شرط‌هایی لازم هست یا خیر؟ در این مرحله بسیاری از فقیهان باور دارند عمل به این شرط‌ها لازم نیست و اثری در قرارداد ندارند (انصاری، ۱٤۲۰ق، ج٦، ص٥٦) و حتی برخی ادعای اجماع دارند که این نوع شرط‌ها واجب‌العمل نیستند (طباطبایی، ۱٤۱۸ق، ص۳۳٦).

*. در احتمال‌های ثبوتی باید توجه شود که تطبیق این موارد بر عهده خود سپرده‌گذار است. در قراردادهای موجود بانکی تفکیکی بین این موارد وجود ندارد؛ اما تحلیل ارتکازهای سپرده‌گذار نشانه تعدد قصدها و تنوع تعامل‌های سپرده‌گذاران با بانک دارد؛ بنابراین تطبیق موارد ثبوتی بر قصد واقعی بر عهده خود سپرده‌گذار خواهد بود.

اما بحث دیگری درباره این شرط‌ها وجود دارد و آن اثر این نوع شرط‌ها در فساد قراردادی است که مبتنی بر ان شرط واقع شده یا به عبارت دیگر اثر این نوع شرط‌ها در حکم تکلیفی است که آیا مستلزم حرمت قرارداد می‌شود یا خیر؟

با تفحصی در کتاب‌های فقهی می‌توان به این نکته دست یافت که عدم لزوم عمل به این نوع شرط‌ها با نفی کلی این شرط‌ها تلازمی ندارد و به معنای بی‌اثری این شرط‌ها به صورت کلی نیست؛ به‌طور نمونه *شیخ‌انصاری*ﷺ با آنکه عمل به این شرط را لازم نمی‌داند (انصاری، ١٤٢٠ق، ج٦، ص٥٦) اما باور دارد که این نوع شرط‌ها گاه مستلزم حکم تکلیفی حرمت و حتی باعث فساد قرارداد نیز هست و علت آن تفکیک بین ملاک‌ها و ادله احکام در موارد متفاوت است (همان، ص١٢٦).

در محل بحث ما (مسئله قرض) بسیاری از فقیهان تصریح کرده‌اند که شرط زیاده در قرض هرچند به‌صراحت در عقد قرض نباشد، مستلزم حرمت خواهد بود (نجفی، ١٣٧٣، ص١٠)؛ بنا بر نظر برخی حتی مستلزم بطلان عقد قرض نیز می‌شود (همان، ص٧).

نتیجه آنکه اگر قرعه‌کشی به صورت توافق ضمنی بین بانک و سپرده‌گذار مطرح شود مستلزم ربا خواهد بود و دست‌کم حرمت تکلیفی در پی خواهد داشت و البته سپرده‌گذار حق دریافت جایزه را نخواهد داشت.

٣. رسیدن به جایزه به عنوان شرط ضمنی اصطلاحی مطرح باشد.

شرط‌های ضمنی به شرط‌هایی اطلاق می‌شود که در عرف در عقدها وجود دارد و نیازی به تصریح یا مطرح‌شدن آن از جانب متعاملان نیست (صدر، ١٤٠٣ق، ص٩٧/ اصفهانی، ١٤١٠ق، ص٣٠). به تعبیر دیگر شرط‌هایی که در ذهنیت بازاری وجود دارد و معامله با آن ذهنیت انجام می‌شود و این ذهنیت مبنای معامله قرار می‌گیرد؛ به‌طوری که اگر رعایت نشود مستلزم عدم لزوم معامله خواهد شد، به‌طور مثال سالم‌بودن کالا یا تساوی قیمت عوضین از طرف خریدار شرط نمی‌شود اما ذهنیت مشتری و فروشنده سالم‌بودن کالاست و قیمت‌ها برابر هستند؛ بنابراین اگر کالا معیوب بود یا تفاوت فاحش در قیمت‌ها حاصل شد، خریدار برای خود حق فسخ و خیار عیب یا غبن قایل می‌شود. ویژگی این شرط‌ها آن است که در صحت و بطلان یا لزوم و عدم لزوم معامله مؤثر هستند.

این نوع شرط‌ها با توجه به وابستگی به عرف متغیر هستند و ممکن است در طول عصرها ذهنیت‌های گوناگون در بازار حاصل شود که بتواند به عنوان معیار معامله مطرح باشد (صدر، ۱٤۰۳ق، ص۹۷).

حال در بحث جایزه ممکن است همین مسئله اتفاق بیفتد؛ به این‌صورت که بنای معامله و سپرده‌گذاری بر وجود جایزه باشد. سپرده‌گذاری که به دادن قرض به بانک اقدام می‌کند هیچ تصریحی قبل یا بعد عقد به وجود جایزه ندارد؛ اما اقدام وی به عقد قرض بر پایه این ذهنیت است که بانک به قرعه‌کشی اقدام خواهد کرد و خود بانک نیز به این ذهنیت واقف است و خود را ملتزم به این مسئله می‌داند. روند شکل‌گیری مسائل بانکی به صورتی بوده که این ذهنیت را پدید آورده است و به عنوان شرط ضمنی در عقد قرض قلمداد شده است.

در این‌صورت با توجه به آنکه این ذهنیت اثر معاملی دارد؛ به‌طوری که در صحت یا لزوم معامله اثرگذار است؛ پس در بحث ما نیز اثر معاملی خواهد داشت؛ به این معنا که اگر سپرده‌گذار به عنوان قرض وجوهی را به بانک پرداخت می‌کند و بنای او بر آن است که بانک در برابر سپرده وی به قرعه‌کشی و پرداخت جایزه اقدام کند، این بنا اثر دارد و باعث صدق شرط در ضمن عقد قرض می‌شود که باعث تحقق صغرای قرض ربوی خواهد بود.

باید توجه شود که آثار معاملی این بنا قابل تفکیک نیست؛ یعنی نمی‌توان گفت ذهنیت مشتری در معامله‌ها در صحت یا لزوم معامله اثر دارد، اما ذهنیت وی در پدیدآمدن شرط در ضمن عقد اثر ندارد و صدق شرط بر آن نمی‌شود بلکه اثرگذاری این بنا در موارد دیگر نیز از آن جهت است که نوعی شرط ضمنی قابل پذیرش برای طرفین پدید می‌آورد؛ بنابراین این ذهنیت نوعی شرط ضمن عقد تلقی شده است (انصاری، ۱٤۲۰ق، ج۵، ص۲۷۲). با توجه به این بیان و صدق شرط بر این بنا باید گفت سپرده‌گذاری با این بنا نوعی قرض با شرط زیاده است و مصداق قرض ربوی خواهد بود و دریافت جایزه اشکال شرعی خواهد داشت.

پیش از ورود در احتمال بعدی لازم است به وجه جامع سه احتمال پیش‌گفته توجه شود. سه بیان پیشین احتمال‌های ثبوتی هستند که معیار اثباتی واحدی دارند و همین معیار

اثباتی برای هر سه احتمال کافی است؛ زیرا در هر سه احتمال حکم قرض ربوی صادق است و تشخیص جداگانه هر یک با معیار اثباتی مستقل لازم نیست.

با توجه به آنکه شناخت حالت‌های ثبوتی ممکن است به‌روشنی انجام نشود و نیازمند معیارهای اثباتی هستیم؛ به بیان دو معیار اثباتی برای شناخت این موارد می‌پردازیم: اول آنکه اگر جایزه بانکی وجود نداشت، شخص به سپرده‌گذاری اقدام نمی‌کرد. معیار دوم آنکه اگر بانک به قرعه‌کشی و دادن جایزه اقدام نکند از طرف سپرده‌گذاران با اعتراض روبه‌رو خواهد شد و سپرده‌گذاران برای خود حق اعتراض قانونی قائل هستند. وجود هر شرطی در ضمن عقد برای شخص مشروطله حق مطالبه پدید می‌آورد که شخص می‌تواند به استناد آن شرط از مشروط‌علیه مطالبه عمل به شرط را داشته باشد (انصاری، ۱٤۲۰ق، ج٦، ص۷۰). حال در بحث ما اگر شخص سپرده‌گذار برای خود حق مطالبه قایل است به کشف آنی می‌توان به وجود شرط در ذهنیت سپرده‌گذار پی برد که این مسئله نشانه شرط در ضمن عقد قرض خواهد بود.

توجه به یک نکته درباره معیار اثباتی دوم لازم است و آن اینکه در این موارد هر چند نسبت به آحاد اشخاص الزامی وجود ندارد؛ چون جایزه‌ها با قید قرعه خواهد بود و معلوم نیست به کدام شخص پرداخت خواهد شد؛ اما چون نسبت به مجموعه سپرده‌گذاران الزام پدید خواهد آمد؛ پس می‌توان گفت شرط زیاده در سپرده‌گذاری اتفاق افتاده است و بانک به پرداخت زیاده‌ای ملزم است به نام جایزه که تنها تفاوت آن با موارد دیگر آن است که این زیاده به برخی به قید قرعه داده می‌شود و این تفاوتی در ماهیت ربوی بودن قرض پدید نخواهد آورد؛ به همین اندازه که بانک قانوناً به پرداخت جایزه ملزم شود و سپرده‌گذار مبتنی بر آن – به‌ویژه اگر الزام قانونی را مد نظر بگیرد – سپرده‌گذاری کند این قرض ربوی خواهد بود و محل اشکال است.

آیت‌الله *مکارم‌شیرازی* در این‌باره می‌نویسد:

«اما لو کان ذلک (الجوائز) علی نحو الشرط – صریحاً کان او ضمنیاً بحیث بنی علیه العقد کان الأخذ حراماً ... و المناط فی ذلک هوما عرفته من ان البنک ان کان قد الزم نفسه ... بالدفع و صاحب المال یری لنفسه حق المطالبه کان ذلک محرَّما»: یعنی اگر جایزه‌ها به صورت شرط باشد حرام است چه شرط ضمنی و چه شرط صریح و معیار آن است که بانک خود را

ملزم بداند و صاحب مال برای خود حقی قایل باشد (مکارم‌شیرازی، ١٤١٨ق، ص٦٧).

عبارت پیش‌گفته به‌روشنی بر آن دلالت دارد که اگر جایزه محور سپرده‌گذاری قرار گیرد و در نیت سپرده‌گذار اثر داشته باشد؛ به‌طوری که به قصد دست‌یابی به آن و مبتنی بر آن سپرده‌گذاری کند، قرض ربوی و حرام خواهد بود.

٤. شخص سپرده‌گذار به انگیزه و داعی رسیدن به جایزه‌ها به سپرده‌گذاری اقدام می‌کند؛ یعنی جایزه‌های بانکی مشوق او در سپرده‌گذاری شده اما هدف اصلی، سپرده‌گذاری است. تفاوت این فرض با موارد سابق آن است که شرط در موارد سابق به عنوان قید معنوی است که ادامه عقد به تحقق آن منوط است و عمل به قرارداد در صورتی صادق است که به آن شرط عمل شده باشد؛ اما در این مورد وجود جایزه به مثابه حیث تعلیلی است که تخلف آن مضر به معامله نیست؛* بنابراین در فقه قاعده مشهوری است که باور دارد تخلف داعی آسیبی به ادامه و صحت معامله نمی‌زند و اثری در عقد ندارد (انصاری، ١٤٢٠ق، ج٥، ص١٥٩).

معیار اثباتی فهم این مورد آن است که اگر بانک به قرعه‌کشی و دادن جایزه اقدام نکند، شخص برای خود حق اعتراض قائل نیست و معلوم است که در این موارد تخلف داعی صورت می‌گیرد که مضرّ به معامله اصلی نیست. در این صورت اگر بانک به قرعه‌کشی اقدام نکرد، وی خود را ذی‌حقی که حقش پایمال شده نمی‌داند؛ چون جایزه را وعده به هدیه‌ای می‌داند که هیچ الزامی به پرداخت نداشته است و هرچند بانک وعده داده و این

* تخلف‌هایی که در معامله‌ها صورت می‌گیرد سه حالت دارد: گاه قید عقد منتفی می‌شود؛ به‌طور مثال شخص به خرید کالای «الف» (عین شخصی نه کلی) اقدام می‌کند به این عنوان که کتاب **مکاسب** است اما معلوم می‌شود که اصلا کتاب نیست. در این موارد معامله در کل باطل است و گاه تخلف شرط حاصل می‌شود؛ به‌طور مثال شرط می‌کند که خودروی خریداری‌شده رنگ خاصی باشد و معلوم می‌شود که چنین نیست. در این صورت تخلف به حق خیار برای مشروطله می‌انجامد و ادامه‌دادن عقد در اختیار وی است نه آنکه در کل باطل باشد و گاه تخلف داعی است خریدار به نیت انکه مهمان خواهد آمد، به خرید اقدام می‌کند و بعد معلوم می‌شود مهمان نخواهد آمد. در این موارد معامله صحیح و لازم است و تخلف داعی و نرسیدن شخص به هدف و نیت خود باعث آسیب به عقد نیست.

وعده مشوق وی در قرض‌دادن بوده است؛ اما هیچ الزامی از طرفین وجود ندارد. در این‌صورت اگر بانک به وعده خود عمل کرد و به قرعه‌کشی اقدام کرد، دریافت جایزه اشکال نخواهد داشت؛ چون به عنوان هبه‌ای از طرف بانک شمرده می‌شود که دریافت آن جایز است. فرض پیش‌گفته را در موردی تصویر کردیم که بانک هم تعهدی به پرداخت جایزه نداشته باشد، اما اگر بانک تعهد به پرداخت جایزه داشت، در این صورت اگر سپرده‌گذار بتواند افتتاح حساب خود را مبتنی به آن نکند و فقط انگیزه و داعی وی بوده باشد، به این‌صورت که حتی با تعهد بانک الزامی برای وی نبیند و اگر بانک به این تعهد عمل نکرد حق اعتراض برای خود قائل نشود، در این صورت نیز چون شرط زیاده در قرض محقق نمی‌شود حرام نخواهد بود (مکارم‌شیرازی، ١٤١٨ق، ص٦٧).

در برخی کتاب‌های فقهی تصریح شده است که اگر مقترض عادت دارد به آنکه در برابر قرض زیاده پرداخت می‌کند و شخصی با لحاظ این عادت به دادن قرض اقدام می‌کند تا زمانی که مقرض شرط نکند این قرض با این نیت اشکال ندارد و گرفتن زیاده نیز ایراد شرعی ندارد (علامه‌حلی، ١٤٢٠ق، ص٤٥١/ سیدمجاهد، [بی‌تا]، ص٥). در این بیان توجه به دو نکته لازم است: الف) فرض مسئله در موردی است که مقرض خود را ذی‌حق نداند و در صورت عدم پرداخت زیاده برای خود حق اعتراض قایل نباشد و به تعبیر بهتر این عادت مقترض داعی شده است برای مقرض که قرض دهد و در صورت تخلف داعی مشکلی در اصل عقد حاصل نمی‌شود و این مؤید این نکته است که حتی اگر بانک تعهد به قرعه‌کشی داشته باشد؛ اما سپرده‌گذاری به داعی این تعهد باشد نه به شرط آن اشکال نخواهد داشت. ب) در بحث سوم ثبوتی گفته شد که اگر شرط ضمنی حاصل شود و ذهنیت بازاری بر پرداخت سود باشد، قرض با بهره است و معامله دچار اشکال خواهد بود. در این‌باره ممکن است که تنافی با این بیان فقهی دیده شود؛ اما پاسخ آن است که در ذهنیت بازاری و شرط ضمنی، مسئله شرط مطرح است که تخلف آن باعث خیار است؛ اما در مورد عادت مقترض که محل بحث می‌باشد فرض تخلف داعی است؛ بنابراین شخص برای خود حق اعتراض قایل نیست.

در تشخیص موارد ثبوتی باید به معیارهای اثباتی توجه شود که آیا شخص برای خود حقی قایل است که قابل پیگیری قانونی باشد یا خیر؟

شهید *مطهری*﵀ باور دارد:

اگر فرض کنیم که در سپرده‌ها هیچ قرار صریح یا ضمنی برای سود نیست؛ اما بانک در آخر مختار است که جایزه‌ای بدهد یا ندهد و اگر ندهد کسی حق مطالبه ندارد و اگر داد حکم یک جایزه و پاداش را دارد، در این صورت مانعی ندارد (مطهری، ۱۳۸۷، ص۳٤۱).

۵. احتمال ثبوتی آخر آن است که سپرده‌گذار با هدف‌های معنوی یا مادی شخصی خویش به پس‌انداز اقدام می‌کند و توجهی حتی به صورت داعی و انگیزه نسبت به مسئله جایزه ندارد؛ به‌طوری که وجود و عدم آن در سپرده‌گذاری اشکال پدید نخواهد آورد. در مورد سابق وجود جایزه ترغیب‌کننده جهت سپرده‌گذاری بود؛ اما در این صورت انگیزه دیگری باعث پس‌اندازی است.

در این صورت اگر بانک به دادن جایزه اقدام کند، ربوی نیست و هدیه شمرده می‌شود.

آنچه تا به حال گفته شد احتمال‌های موجود درباره سپرده‌گذاری و رابطه آن با مقوله وعده به جایزه در بانک بود؛ اما از لحاظ واقعیت‌های خارجی و موجود باید گفت:

در موارد بسیاری می‌توان مورد پنجم یا چهارم را یافت که شخص به علت‌های معنوی یا تأمین آتیه خویش یا مسائل خانوادگی به سپرده‌گذاری اقدام می‌کند و گاهی ممکن است جایزه‌هایی به او تعلق گیرد که در این‌صورت اشکال ندارد؛ اما آنچه در اغلب موارد تحقق دارد این است که با توجه به تعهد بانک به جایزه و الزام‌های قانونی وی در غالب موارد نوعی الزام از طرف سپرده‌گذاران برای بانک احساس می‌شود، به‌طوری که اگر بانک به قرعه‌کشی اقدام نکند، از طرف سپرده‌گذاران مورد اعتراض واقع می‌شود و این کاشف از وجود الزام قانونی در نزد سپرده‌گذاران است و کاشف از آنکه سپرده‌گذاری مبتنی بر جایزه صورت می‌گیرد (به‌ویژه فرض سوم ثبوتی) و اگر هم نتوان این مسئله را ثابت کرد، اما شبهه ابتنا در مسئله پیش‌گفته قویاً وجود دارد مگر آنکه برای سپرده‌گذاران توضیح داده شود که نباید جایزه، معیار اصلی آنان در سپرده‌گذاری باشد. به هر حال وجود تعهد قانونی بانک به پرداخت جایزه و نداشتن آگاهی‌های لازم از طرف سپرده‌گذاران می‌تواند زمینه ربوی‌بودن این نوع سپرده‌ها را فراهم کند. به هر حال برای رفع ربا، بانک باید تعهدی

نسبت به جایزه‌ها نداشته باشد یا آنکه در صورت تعهد بانک، سپرده‌گذاران برای خود الزامی احساس نکنند و مبتنی بر آن سپرده‌گذاری نکنند که این مسئله به آموزش‌دادن آنان محتاج است.

در استفتاء از مراجع عظام آمده است:

«جوایزی که به سپرده‌های قرض‌الحسنه تعلق می‌گیرد، گرفتن آن چه حکمی دارد و بر فرض جواز آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟»

پاسخ: «پس‌اندازهای قرض‌الحسنه و جایزه‌های آن اشکال ندارد و در جایزه خمس واجب نیست.»

شایان توضیح است که در فتوای پیش‌گفته جایزه به عنوان هبه مورد تعلق خمس قرار نگرفته اما برخی فقیهان در هبه نیز قائل به خمس هستند که ارتباط به بحث ما ندارد.

«مبلغی را در بانک ملی پس‌انداز کردم و بعد از مدتی مبلغی را به عنوان جایزه به من دادند گرفتن آن چه حکمی دارد؟»

پاسخ: گرفتن جایزه و تصرف در آن اشکال ندارد (حسینی‌خامنه‌ای، ١٤٢٤ق، ص٤٧٥).

فتواهای پیش‌گفته باید به مواردی ناظر باشد که شرط ضمن عقد برای پرداخت جایزه صورت نگرفته باشد؛ وگرنه روشن است که حکم به جواز در آن مطرح نخواهد شد. به این مسئله در برخی استفتائات اشاره شده است (صافی، ١٤١٧ق، ج٢، **ص٣٠٣**).

ظاهر پرسش قبل نیز آن است که سپرده‌گذار هیچ بنایی برای دریافت جایزه نداشته است که پیش از این گفته شد کبرای شرعی حرمت قرض ربوی در چنین مواردی تطبیق نمی‌شود.

به هر حال نیت و انگیزه سپرده‌گذار اثر اساسی در تحقق ربا در جایزه خواهد داشت و این قانون است که نباید زمینه را برای پدیدآمدن انگیزه غیرمشروع پدید آورد و ظاهر آن است که تعهد بانک بدون آموزش و بیان شرعی برای سپرده‌گذاران زمینه را برای انگیزه غیرمشروع پدید می‌آورد.

آنچه تا به حال مورد بحث واقع شد از جهت ربوی‌بودن جایزه‌های بانکی بود؛ اما از جهت آنکه آیا جایزه از لحاظ مالکیت و انتقال آن به برنده اشکال پدید می‌آورد یا خیر باید گفت: با توجه به آنکه مجموعه سپرده‌گذاران به بانک قرض می‌دهند و وجوه دریافت‌شده جزء اموال بانک و در ملکیت وی قرار می‌گیرد، اشکال فقهی پدید نمی‌آورد؛ زیرا

جایزه‌های پرداخت‌شده دو حالت دارند: یا از سود این سپرده‌هاست یا مقداری از مجموعه همین سپرده‌ها به برخی از سپرده‌گذاران جایزه داده می‌شود. در هیچ‌کدام از دو فرض اشکال فقهی لازم نمی‌آید؛ چون بانک از مال خویش جایزه پرداخت می‌کند نه آنکه از اموال برخی سپرده‌گذاران به برخی دیگر جایزه پرداخت کند که در این‌صورت نسبت به بانک تصرف عدوانی در ملک غیر لازم می‌آید و برای گیرنده جایزه اکل مال به باطل صادق خواهد بود.*

بحث جایزه بانکی غیر از مقوله بخت‌آزمایی و امثال آن است که از مجموعه اموال مرتبط به دیگران به قید قرعه به برخی هدیه داده می‌شود که وجه شرعی انتقال ملکیت وجود ندارد. اینکه در برخی بیان‌ها جایزه‌های بانکی نوعی قمار تلقی شده است روشن نیست. قمار شاخصه‌های خاص خود را دارد که به راحتی منطبق بر جایزه‌ها نیست؛ به‌طور نمونه در قمار چند نفر اموال خود را جمع و سپس از راه غیرشرعی به برخی پرداخت می‌شود؛ در صورتی که اموالی که سپرده‌گذاران به بانک پرداخت می‌کنند دیگر ملک شخصی آنان نیست؛ زیرا در عقد قرض انتقال ملکیت صورت می‌گیرد. گویا این اندیشه باور دارد که اموال سپرده‌گذاران بعد از سپرده نیز همچنان در ملک آنان باقی است. در حالی که اشاره شد که جایزه‌ها از اموال خود بانک است نه از اموال برخی سپرده‌گذاران. نکته قابل توجه آنکه استدلال به لزوم ربا و قمار نوعی تناقض پدید می‌آورد؛ زیرا لازمه ربا تحقق عقد قرض است که مستلزم انتقال ملکیت به بانک است؛ در حالی که در قمار اصلاً انتقال ملکیت وجود ندارد. به هر حال وجوه یا به بانک منتقل می‌شود و قرض است یا منتقل نمی‌شود و قمار است و تمسک به هر دو دلیل در کنار هم معنا ندارد؛ مگر آنکه به صورت مانعه‌الخلو استدلال شده باشد.

در استفتا از مراجع عظام پرسیده شده است: «آیا شرعاً جایز است مسئولان بانک‌ها مقداری از سود سپرده‌های بانکی را به اشخاص حقیقی یا حقوقی ببخشند؟»

* در برخی از فتواها جایزه‌های دریافت‌شده از بانک به عنوان مال مجهول‌المالک معرفی شده است. این فتواها بر عدم صلاحیت بانک دولتی برای مالکیت مبتنی است که خارج از فرض مقاله و قانون عملیات بانکی بدون رباست.

پاسخ: «اگر آن سودها ملک بانک باشد تابع مقررات بانک است و اگر متعلق به صاحبان سپرده است حق تصرف در آن برای سپرده‌گذاران است» (حسینی**خامنه**‌ای، ١٤٢٤ق، ص٤٧٣).

با توجه به آنکه سپرده پس‌انداز نوعی قرض و مستلزم انتقال ملکیت به بانک است؛ پس بانک می‌تواند هر نوع تصرفی در اموال خود بکند و مبلغی از آن را هدیه دهد.

مشکل دیگری که ممکن است در بحث جایزه‌ها مطرح شود این است که آیا جایزه از اموال حلال بانک است یا ممکن است جایزه از اموال حرام بانک باشد؛ چنانکه شهید *مطهری*﵀ همین مبحث را در بحث ربا و بانک مطرح می‌کند (مطهری، ١٣٨٧، ص٣٤٠). این بحث در صورتی مطرح می‌شود که در اموال بانک مال نامشروع هم باشد؛ اما اگر چنین مسئله‌ای وجود نداشت اشکال پیش‌گفته مطرح نیست. بر فرض که در ملکیت بانک اموال نامشروع وجود دارد تا وقتی یقین به حرام‌بودن وجوه و عین جایزه نداریم دریافت آن اشکال نخواهد داشت؛ چنان‌که در جایزه‌های سلطان و کارکنان آن چنین مسئله‌ای در فقه مطرح شده و در موارد احتمالی حکم به حلیت دریافت شده است (انصاری، ١٤٢٠ق، ص١٦٥).

در نکته پایانی بحث جایزه به این بحث اشاره می‌شود که اگر بانک قرعه‌کشی انجام داد و اسم شخص خاصی به عنوان برنده مطرح شد بر بانک لازم است که وی را مطلع کند یا خیر؟

در این‌باره باید گفت: با سه شرط اعلام‌کردن به برنده و اطلاع‌دادن وی لازم است:

١. بانک تعهد به پرداخت جایزه دارد.
٢. این تعهد مستلزم ربوی‌بودن سپرده‌گذاری نباشد مانند آنکه قرض مبتنی به آن صورت نگرفته است.
٣. عمل بانک به تعهد یک‌طرفه خویش واجب باشد. این الزام مبتنی بر آن است که شرط از لحاظ صغروی شامل تعهدهای یک‌جانبه نیز باشد که در این صورت تعهد بانک به عنوان یک شرط، لزوم عمل خواهد داشت و از مصداق‌های روایت «المومنون عند شروطهم» خواهد بود که به نظر مشهور دلالت به وجوب تکلیفی عمل به شرط دارد (انصاری، ١٤٢٠ق، ج ٦، ص٦٢).

در این‌صورت بانک طبق قرار واجب است به تعهد خویش عمل کرده و قرعه‌کشی کند و چون اطلاع به برنده از مقدمه‌های عمل به تعهد است، اطلاع‌دادن به او واجب خواهد بود. آنچه در برخی فتواها مطرح شده که اطلاع را لازم دانسته‌اند (حسینی‌خامنه‌ای، ١٤٢٤ق، ص٤٧٣) باید حمل به همین مورد شود؛ اما اگر هر یک از شرایط پیش‌گفته منتفی شود؛ به‌طور مثال بانک تعهد ندارد یا سپرده‌گذاری ربوی است، در این صورت اصل قرعه‌کشی‌کردن لازم نیست تا چه رسد به اطلاع‌رسانی به برنده، چون فرض آن است که بانک می‌خواهد هدیه بدهد و وی در این عمل توسعه دارد. هر چند چون وعده داده عمل به آن بهتر است و اگر ربوی باشد که گرفتن آن اشکال شرعی دارد؛ پس اعلام معنا ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نوشتار پیش رو به تحلیل ماهیت حقوقی جایزه‌های بانکی پرداخته است. بانک‌ها امروزه برای جذب حداکثری مشتری به پرداخت جایزه‌هایی به مشتریان اقدام می‌کنند و تبلیغات وسیع آنها باعث ترغیب افراد به سپرده‌گذاری به قصد دست‌یابی به جایزه شده است. با توجه به آنکه ماهیت فقهی سپرده‌گذاری عقد قرض است و از لحاظ فقه اسلامی قرض به شرط زیادی ربا تلقی شده است باید این نکته مورد مداقه قرار گیرد که آیا سپرده‌گذاری به قصد رسیدن به جایزه از مصداق‌های قرض ربوی است یا خیر؟ در نوشتار پیش رو با تحلیل ارتکازهای مشتریان و نوع تعامل آنها با بانک می‌توان موارد متفاوتی را مشاهده کرد.

توجه به نوع قصد سپرده‌گذار اثر مهمی در حلیّت و حرمت آن دارد. اگر شخص سپرده خویش را مبتنی بر جایزه کند؛ به صورتی که خود را دارای حق قانونی بداند و بانک را به قرعه ملزم بداند، در این صورت گرفتن جایزه اشکال خواهد داشت و قرض ربوی قابل تطبیق خواهد بود؛ اما اگر جایزه داعی بر سپرده‌گذاری باشد، در این صورت ایرادی نخواهد داشت؛ بنابراین آموزش شهروندان در این زمینه حساس بسیار ضروری است که امید است مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مآخذ

١. اصفهانی (شیخ‌الشریعه)؛ **قاعده لاضرر**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٠ق.
٢. انصاری، شیخ‌مرتضی؛ **المکاسب**؛ قم: چاپ کنگره، ١٤٢٠ق.

۳. بحرانی، یوسف؛ **حدائق الناظره**؛ ج ۲۰، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱٤۳۳ق.
٤. بهمند و بهمنی؛ **بانکداری داخلی**؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸٦.
۵. تسخیری، محمدعلی؛ «سپرده‌های بانکی»؛ **فقه اهل بیت** علیهم‌السلام، ش۲۵، بهار ۱۳۸۰.
٦. حایری(مجاهد)، سیدمحمد؛ **المناهل**؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، [بی‌تا].
۷. حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی؛ **اجوبه الاستفتائات**؛ قم: دفتر معظم‌له، ۱٤۲٤ق.
۸. حلی، شیخ‌حسن (علامه)؛ **تحریر الاحکام**؛ ج۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱٤۲۰ق.
۹. سایت رسمی مدرسه دینی رحمه للعالمین سراوان.
۱۰. سایت رسمی مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله اهل سنت خراسان.
۱۱. صافی، لطف‌الله؛ **جامع الاحکام**؛ قم: انتشارات حضرت معصومه علیهاالسلام، ۱٤۱۷ق.
۱۲. صدر، سیدمحمدباقر؛ **البنک اللاربوی فی الاسلام**؛ قم: مرکز الابحاث، الدراسات التخصصّه للشهید الصدر، ۱٤۲٦ق.
۱۳. ـــــــــ؛ **الفتاوی الواضحه**؛ بیروت: دارالتعارف، ۱٤۰۳ق.
۱٤. طباطبایی، سیدعلی؛ **ریاض المسائل**؛ ج۱۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱٤۱۸ق.
۱۵. محمددوابه، اشرف؛ **فواید البنوک**؛ قاهره: مؤسسه دارالسلام، ۱٤۲۹ق.
۱٦. مطهری، مرتضی؛ **مسئله ربا و بانک**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۱۷. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ «احکام بنوک»؛ **فقه اهل بیت** علیهم‌السلام، ش۷ عربی، ۱٤۱۸ق.
۱۸. موسویان، سیدعباس؛ **بانکداری اسلامی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸٦.
۱۹. ـــــــــ؛ **فقه معاملات بانکی**؛ قم: مرکز فقه و حقوق اسلامی، [بی‌تا].
۲۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ **تحریرالوسیله**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱٤۱٦ق.
۲۱. نائینی، محمدحسین؛ **منیة الطالب**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱٤۱۸ق.
۲۲. نجفی، شیخ‌حسن؛ **جواهر الکلام**؛ ج۲۵، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۳.